

منجی در مکاشفات یوحنا و مقایسه آن با قرآن کریم و روایات امامیه

عباس همامی^۱

احمد شاه علی فردوبی^۲

چکیده

اندیشه منجی را می توان ، تقریباً در تمام ادیان الهی و غیر الهی به دین گونه ترسیم کرد که در آخرالزمان مصلحی ظهور کرده و با بر پایی حکومت صالحان ، جهان را از پر از عدل و داد می کند . بر اساس باورهای امامیه ظهور مهدی (علیه السلام) یکی از اصول مسلم اعتقادی است که در قرآن کریم و روایات به آن پرداخته شده است ، در مقابل نقش کتاب مکاشفات یوحنا یا رساله‌ی کشف الاسرار که شرح رویایی است که یوحنای رسول مشاهده کرده است ، در پرداختن به موضوع مورد نظر و ظهور عیسی (علیه السلام) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، هر چند دیدگاههای دو حوزه یاد شده در مورد منجی در بعضی موارد متفاوت است اما با بررسی مؤثرات آنها می توان به علائم و نقاط مشترک در مورد موضوع مورد نظر دست یافت . این تشابهات ، زمینه‌ای مناسب برای مقایسه دو دیدگاه می باشد ، از جمله می توان به مباحث مشترکی مانند ، ظهور مصلح و منجی ، حکومت صالحان ، خارج کردن شیطان از صحنه ، شکست و نابودی نیروهای شرور ، زندگی همراه با امنیت و آرامش اشاره کرد. در مقاله حاضر ، با بررسی موضوع مهدی (علیه السلام) در قرآن کریم و روایات شیعه امامیه و عیسی (علیه السلام) در مکاشفات یوحنا ، سعی بر یافتن تشابهات آنها و تقریب دو دیدگاه می باشد .

کلید واژه ها: قرآن ، روایت ، مهدی ، ظهور ، مکاشفات ، عیسی

۱- طرح مسأله

از مسائلی که در تاریخ پر فراز و نشیب بشر به هنگام سختیها و ناملایمات روزگار، ذهن بشر را به خود مشغول داشته و از چالش‌های همگانی و همه جایی بوده است، اندیشه‌ی وجود نجات بخش، برقراری عدالت و رسیدن به امنیت و آرامش در آخرالزمان بوده است، البته با وجود مشترکات فراوان ادیان در موضوع منجی، این مسئله در همه موارد به سان واحدی نیست، بلکه ادیان مختلف علیرغم اثر پذیری از یکدیگر، ویژگی‌های خاص خود را به نمایش می‌گذارند و حتی در درون یک دین نیز با صورت‌های گوناگونی از این اندیشه مواجه می‌شویم.

در "کاکلی مظہر دھم و شینو" در عصر آهن، در حالی که سوار بر اسبی سفید است و در دست او شمشیر برهنه‌ی درخشنان قرار دارد، ظهور خواهد کرد، همه‌ی اشاره را هلاک می‌کند و خلقت را از نو تجدید خواهد کرد. (اوپه نیشد، ۷۳۷)

سوشیانت در آئین زردشت، نجات دهنده‌ی بزرگ، ایزدان را از دست اهریمنان نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار سازد. (جاماسب، ۱۲۱) در آئین بودا، "میتریه" که هم سرشت بودایی و هم بوداسفی دارد، عصری طلایی و صلح آمیر را بر روی زمین برقرار می‌کند. (عفری، ۱۸۸) اندیشه‌ی انتظار منجی و مسیحا را در قوم یهود می‌توان در ظهور "ماشیح" دید که گذشته‌ی تیره و تار آنها را به آینده‌ی بهتر تبدیل خواهد کرد. (نک: جولیوس گرینستون، ۱۷-۱۸) در آیین مسیحیت غالباً منجی و موعد با عنوان "پسر انسان" معرفی شده است که در آخرالزمان سوار بر ابرها با قوت و جلال می‌آید. (مکافات یوحنا، ۱۴: ۱۴) مستر هاکس معتقد است تعبیر پسر انسان بیش از هشتاد بار در عهد جدید تکرار شده است که سی مورد آن با عیسی (علیه السلام) قابل تطبیق است و بقیه موارد از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. (هاکس، ۲۱۹).

نگاه قرآن کریم به موضوع مورد نظر به صورت کلی و فرامکتبی است، دأب قرآن کریم در این مورد نیز مانند بسیاری از موضوعات دیگر بیان مصدق نیست، بلکه اشاره به ویژگیها و مختصاتی عمومی است که می‌توان آنها را با مصلح و نجات بخش در پایان زمان تطبیق داد که این مصلح می‌تواند نقطه مشترک و اتحاد تمام ادیان باشد، هر چند در عنوان، نام‌های متفاوتی داشته باشد. (الأنبياء، ۱۰۵؛ القصص، ۵؛ النور، ۵۵) مؤید این برداشت، نام‌های مختلفی است که در ادیان برای منجی ذکر شده است.^۱

۱- گفته اند سوشیانت مزدیسان، به منزله‌ی گریشنای برهمان، بودای پنجم بودایان، مسیح یهودیان، فارقیط عیسیان و مهدی مسلمانان است. (دائرة المعارف فارسی، ۳۷۳)

روایات امامیه مهدی(علیه السلام) را منجی همهٔ ادیان می‌داند. (کورانی، ۳ / ۴۲۶) مهدی(علیه السلام) همهٔ مردم را به اسلام دعوت می‌کند، آنها دین واحد خواهند داشت. (مجلسی، ۱ / ۵۳) امام باقر(علیه السلام) فرمود: او را مهدی می‌نامند از آن جهت که به تورات و انجلیل و کتب سماویه راهنمایی خواهد کرد، آنها را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد و بین اهل تورات به تورات و اهل انجلیل با انجیل و اهل زبور با زبور و اهل قرآن حکم خواهد کرد. (نعمانی، ۱۲۴)

در این بین پرسش اساسی این است که در مکافات یوحنا، قرآن کریم و روایات امامیه چه ویژگیهایی به عنوان اشتراکات منجی اعلام شده و تحلیل مشترکات چه می‌باشد؟ این مقاله در صدد یافتن پاسخ به پرسش‌های یاد شده است.

اصل ظهور منجی

او سوار بر ابرها می‌آید (۱: ۷) ابری سفید دیدم که یک نفر شیه انسان بر آن نشسته است. بر سر او، تاجی زرین و در دستش داس تیزی به چشم می‌خورد. (۱۴: ۱۴)

موضوع سوار شدن منجی بر ابرها در مکافات، ظاهراً در مورد مسیح(علیه السلام) مطرح شده است، اما در روایات امامیه این بحث به ۳۱۳ نفر از یاران مهدی(علیه السلام) نسبت داده شده است که بعضی از آنها در روز سوار بر ابر می‌شوند. "اصحاب القائم ثلاثمائة و عشر رجلاً اولاد العجم، بعضهم يحمل فى السحاب نهاراً" (نعمانی، ۱۷۰) و بعضی هم با طی الارض از گوشه و کنار زمین به سوی مهدی رفته و بیعت می‌نمایند. "فيصير اليه انصاره من اطراف الارض تطوى لهم طيأً، حتى يبايعوه". (ابن الصباغ، ۲۲۱) اما در مورد مهدی(علیه السلام) مسئله این گونه مطرح شده است که در آخر الزمان قائم ظاهر می‌شود، بالای سرش ابری سایه افکنه و از آفتاب نگه می‌دارد. "يظهر القائم فى آخر الزمان، على رأسه غمامه تظله من الشمس" (مجلسی، ۵۲ / ۳۷۸) همچنین بر اساس بعضی از روایات، ابر، رعد و برق، بادها، کوه و دریا، ستاره‌ها، خورشید و ماه در تسخیر مهدی(علیه السلام) هستند. از لسان آن بزرگوار وارد شده است: "إِنَّ الَّذِي سُخْرَتْ لِي السَّحَابُ وَالرَّعْدُ وَالْبَرْقُ وَالظُّلْمُ وَالْأَنْوَارُ وَالرِّيَاحُ وَالْجَبَالُ وَالْبَحَارُ وَالنَّجُومُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ" (همانجا، ۵۳ / ۴۶)

با مقایسه نقل مکافات با روایات امامیه می‌توان این احتمالات را مطرح نمود:

- قدرت و اختیارات طبیعی و فوق طبیعی مهدی(علیه السلام) در آخر الزمان بیشتر از مسیح(علیه السلام) است.
- سوار شدن بر ابرها و طی الارض، هر چند در زمان صدور اخبار و ثبت آن در منابع اولیه، در حد معجزه بوده است اما امروزه می‌تواند سفر هوایی با هوایپیماهای پیشرفته و فوق مدرن باشد که روشی معمولی برای رفت و آمد است،

۳- از آنجاییکه در روایات ، مسیح(علیه السلام) از جمله اصحاب مهدی (علیه السلام) منظور شده که بعد از چند ماه از ظهور ، به جمع یاران خاص او می پیوندد و پشت سر او نماز می خواند .^۱ بنابر این می توان نقل مکاشفات را برا این روایات حمل نمود و سوار شدن مسیح بر ابرها را با احادیث آمدن یاران مهدی (علیه السلام) به وسیله‌ی ابر تطبیق داد .

"لشکرهای آسمانی که لباسهای کتان سفید و پاک بر تن داشتند ، سوار بر اسب های سفید به دنبال او می آمدند ." (۱۹:۱۴) این فراز نیز با روایات " و لانصرنه بجندی و لامدنه بملائكتی حتی یعلن دعوتی " (صدقوق ، کمال الدین و تمام النعمه، ۱ / ۲۵۵) و " اذا قام القائم نزلت الملائكة بثلاثمائة و ثلاثة عشر : ثلث على خيول شهب ، و ثلث على خيول بلق ، و ثلث على خيول حو " (النعمانی، ۱۲۸) مناسب است .

"در دست راست او طوماری می دیدم که بر هر دو طرف آن نوشته شده بود و با هفت مهر ، آن را مهر و موم کرده بودند ." (۱:۵) علت مهر شدن طومار این است که هیچ شخص غیر مجازی امکان باز کردن آن را نداشته باشد .)، William Barclay , ۱۹۷۹ P. ۱۵۹) به نظر می رسد نقل مکاشفات را می توان با این روایت الکافی مقایسه کرد ، که "انزل على نبيه كتابا قبل وفاته ... و كان على الكتاب خواتيم من ذهب " (الکلینی ، ۱ / ۲۸۰) در این روایت نیز بحث طومار و مهر کردن آن مطرح شده است . این وصیت که به صورت (طومار) نازل شده ۱۲ مهر دارد که هر امام مهر مخصوص به خود را در زمان مقرر باز می کند .

"هر چشمی او را خواهد دید ، حتی آنانی که به پهلوی او نیزه زدند ، او را خواهند دید و تمام قوم های جهان از شدت وحشت و اندوه خواهند گریست ." (۱:۷)

این نقل را می توان با روایت " یغیب ... فلا تراه عین حتی یراه کل احد و کل عین ." از امام معصوم ، تطبیق داد . (مجلسی، ۵ / ۵۳) در این مورد نیز می توان به وجود ماهواره های مخابراتی و وسائل ارتباط جمعی مدرن در آن زمان اشاره کرد که مردم در سراسر جهان قادر خواهند بود از طریق گیرنده های خود به صورت مستقیم تصویر مهدی و عیسی(علیهم السلام) را بینند و صدای آنها را بشنوند .

"مانند دزد زمانی که منتظر نیستید ، می آیم ، خوشابه حال کسی که برای بازگشت من آماده است و لباس خود را نگاه می دارد ." (۱۶:۱۵)

از این نقل دو نکته برداشت می شود :

۱- ظهور ناگهانی

۲- تشویق منتظران به آمادگی برای ظهور موعود

۱- "ان عیسی ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا ... و یصلی خلف المهدی " (مجلسی ، ۵۰ / ۵۳)

اشارات روایات تأویلی ذیل آیه‌ی « هَلْ يُنْظِرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً » (الزخرف، ۶۶) را می‌توان با نقل مکاشفات تطبیق داد، در تأویل این آیه گفته شده که منظور از ساعه، ساعت قائم است که به صورت ناگهانی خواهد آمد. (مجلسی، ۵۳ / ۱) نکته دوم از برداشت فوق، با عنوان "انتظار فرج" سازگاری دارد. "افضل العباده انتظار الفرج" (حائری، ۶۷) "افضل جهاد امتی انتظار الفرج" (الصافی الگلپایگانی، ۴۹۴)

| | |
|--|---|
| اشکم شود از هر مرثه چون سیل روانه ای تیر غمّت را دل عشاق نشانه (شیخ بهائی) | تا کی به تمنای وصال تو یگانه خواهد به سر آید شب هجران تو یگانه |
|--|---|

"یک بره دیدم (۶:۵) بره آنها را به چشم‌های آب حیات هدایت خواهد کرد. (۱۷:۷) من به هر که تشنه باشد از چشم‌های آب حیات به رایگان خواهم داد تا بنوشد. (۲۱:۶)" شاید بتوان گفت استفاده از کلمه‌ی "بره" برای عیسی (علیه السلام) در مکاشفات، نمایش تصویری از یک انسان بی آزار و بی خطر است تا بدین وسیله حاکمان و قدرت‌های زمان مسیح (علیه السلام) او را برای تاج و تخت خود تهدید ندانند و نسبت به او بی توجه شوند. چنان‌که این تصور در ذهن افراد در هر دوره ای از بره وجود داشته که او حیوانی است رام و اهلی و خطری از ناحیه‌ی او کسی را تهدید نمی‌کند. این برداشت را می‌توان از کلماتی که در روایات شیعه خطاب به منتظران موعود بیان شده، فهمید که "كونوا كالنحل فى الطير ليس شى من الطير الا و هو يستضعفها" (مجلسی، ۵۲ / ۱۱۵) و نیز "لا ترون الذى تنتظرون ، حتى تكونوا كالمعزى المواه التى لا يبالى الخابس اين يضع يده منها" (همانجا، ۲۶۴)

"من به هر که تشنه باشد از چشم‌های آب حیات به رایگان خواهم داد تا بنوشد. (۲۱:۶) بره آنها را به چشم‌های آب حیات هدایت خواهد کرد. (۱۷:۷)"

در فرهنگ اهل کتاب آب حیات، یک ترکیب استعاری است از سمبول توانایی خدا در برآورده کردن مهمترین نیازهای بشر (۳۹-۳۷: ۷؛ Isa. ۱۳-۱۴: ۷؛ cf John ۵۵: ۱؛ ۴: ۱۷) همین برداشت در روایات امامیه نیز دیده می‌شود، که "مثله مثل الخضر ، و مثله ذی القرنين ، ان الخضر شرب من ماء الحياة ، فهو حى لا يموت حتى ينفح فى الصور" (نجفی، ۲۴۹) این روایت ناظر به عمر طولانی امام است که علت آن نوشیدن آب حیات است، همانگونه که خضر نوشید و عمر او جاودانه شد.

شمیشی دو دم تیزی هم در دهانش قرار داشت. (۱: ۱۶) در مورد مهدی (علیه السلام) نیز این تعبیر زیاد به کار رفته است. "ليس شأنه الا بالسيف لا يستتب احدا و لا يأخذه في الله لومه لائم" (نعمانی، ۲۳۳) این روایات و نظری آنها را باید در کنار توصیفاتی دید که بیان کننده مهربانی و عطوفت مهدی (علیه السلام) است، مانند اینکه او فرزند رحمة للعالمين است، او صاحب بخشش، عفو و گذشت است، او به انسانها درس آقایی، بزرگی و مثبت نگری می‌دهد نه درنده خوبی، کینه توزی و انتقام جویی، از پدران و مادرانشان مهربان تر است. (حائری، ۱۰)

چرا مردی با این خصوصیات اینگونه توصیف می شود ، در چنین مواردی می بایست به مقتضیات صدور ، مخاطب ، زمان و مکان نیز توجه کرد . شاید دلیل صدور روایات نخست ، وجود شرایط سخت ، طاقت فرسا ، ظلم و ستم واردہ بر مخاطبان صدور در زمان و مکانی خاص بوده که برای ایجاد حس مقاومت و امید به آینده به موعودی با این ویژگی اشاره شده است ، از طرفی شمول این روایات عام نیست و مربوط به افراد و گروههای خاصی است . "زمان نجات و سلطنت خدا و حکومت مسیح رسیده است ". (۱۲: ۱۰). "سلطنت ما از آن خدا و مسیح او شد و او تا ابد سلطان است ". (۱۱: ۱۵)

این فرازهای مکاشفات با آیه‌ی «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف ، ۱۲۸) مناسب دارد .

"این پسر با قدرتی مستحکم بر تمام قومها حکومت خواهد کرد ". (۱۲: ۵) این بخش نیز با روایت "و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله به دينه و لو كره المشركون" (مجلسی، ۵۱ / ۷۱) سازگاری دارد . "چشمانش همچون شعله های آتش تیز و نافذ است ". (۱۹: ۲) در این روایت به یکی از ویژگیهای خاص عیسی (علیه السلام) در رصد و بررسی محیط اطراف و پیرامون خود اشاره شده است . شبیه به آن را می توان در روایت "و يرى من خلفه كما يرى من بين يديه" (صدقه، عيون اخبار الرضا، ۲ / ۱۶۹) مشاهده کرد .

شاید بتوان گفت ، این تعبیر حکایت از استفاده منجی از علوم ، فنون ، تکنولوژی و دورینهای پیشرفته آن زمان دارد ، به گونه‌ای که امام به تمام زوایای پنهان و آشکار محیط اطراف خود اشراف دارد . "السموات والارض عند الامام كيده من راحته يعرف ظاهرها من باطنها و يعلم براها و فاجرها" (حائری ، ۱۱)

"صورت او همچون خورشید نیمروز می درخشید ". (۱۶: ۱) تصویری است از پرهیزگاری و تقدس خالص . (۲۱، P. ۲۰۱۴، Thomas L. Constable) نقل یوحنا با فراز "الامام كالشمس الطالعة المجللة بنورها العالم" (مجلسی، ۵۱ / ۳۶۶) مطابقت دارد . شاید منظور از نور در اینجا نور معنوی و ولایت باشد ، همان طور که در روایتی دیگر نقل شده ، "انهم يستضيئون بنور ولايته في غيبته كانتفاع الناس بالشمس و ان ستراها سحاب" (حائری ، ۱ / ۴۲۹)

اسامی و القاب منجی

هر چند در قرآن کریم صریحاً نام مهدی (علیه السلام) دکر نشده است ، اما روایات در تأویل یا تطبیق بعضی آیات قرآن کریم به نام مهدی (علیه السلام) اشاره کرده اند ، مانند : «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَحْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (النور ، ۵۵) صالحان و نیکوکاران در این آیه حضرت مهدی (علیه السلام) و اصحاب ایشان هستند ، (مجلسی، ۵۱ / ۵۸) در قرآن کریم از عیسی (علیه السلام) با لقب مسیح یاد شده است . «وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بْنَي إِسْرَائِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ» (المائدہ ، ۷۲) این کلمه ۱۰ مرتبه در قرآن کریم آمده

است ، یکی از القاب مشهوری که در مکاشفات به عیسی (علیه السلام) نسبت داده می شود ، مسیح است ، از جمله : " مسیح (علیه السلام) نخستین کسی است که پس از مرگ زنده خواهد شد . " (۱:۵) در آنجا پس از کلمه‌ی " بره " کلمه‌ی مسیح و ترکیب آن ، بیشترین کاربرد را دارد .. (۲۰۰۶:۵۸) P. Edwin Reynolds. مسیح (علیه السلام) نام خاص عیسی (علیه السلام) نیست ، بلکه به دلیل آن که او منجی جهانی است ملقب به این نام شده است ؛ زیرا از واژه‌ی مسیح مفهوم منجی برداشت می شود . (صدر، ۵۱۴)

" یوحنا کلمه‌ی خدا را می بیند که سوار بر اسب سفید همراه با لشکرهای آسمانی می آید . " (۱۱:۱۹) این فراز از مکاشفات را می توان با این آیه تطیق داد . « إِنَّمَا الْمُسِّيْحُ عِيسَى ابْنُ مَرِيمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ الْقَاماً إِلَى مَرِيمَ وَرُوحُ مَنْهُ » (النساء ، ۱۷۱) " سپس دیدم که آسمان گشوده شد ، در آنجا اسبی سفید بود که سوارش " امین و حق " نام داشت ، چشمان او مانند شعله های آتش بود و بر سرش تاجهای فراوانی قرار داشت ، لقبش " کلمه‌ی خدا " بود . " (۱۹:۱۱-۱۴) همچنین یوحنا در عبارتی دیگر از سفر خود به آسمان با واسطه‌ی روح خدا می گوید : " ناگهان روح خدا مرا فرو گرفت و من خود را در آسمان دیدم " (۳:۲ و ۴) در روایات شیعه‌نیز روح الله از القاب عیسی ابن مريم(علیه السلام) است . " قال عیسی ابن مريم يا عشر الحواريين لى اليكم حاجه اقضوها لى قالوا قضيت حاجتك يا روح الله " (الکلینی، ۱/۳۷) همان طور که عیسی (علیه السلام) در مکاشفات به شکل تمثیل و استعاره بیان می شود . (۵:۵، ۱:۲۲، ۵:۱، ۱۶:۵) بعضی از روایات نیز اسمی و القاب مهدی(علیه السلام) را به صورت کنایه مطرح کرده اند . (مجلسی ، ۵۱/۷۱) محدث نوری در کتاب النجم الثاقب تعداد ۱۸۲ لقب برای مهدی (علیه السلام) بیان کرده است ، (نوری، ۱/۸۵-۱۷۷) هر یک از این القاب ، به بخشی از صفات ، ویژگیها و آثار وجودی منجی اشاره دارند که بعضی از آنها با عیسای مکاشفات مطابقت دارد ، از جمله‌ی آنها می توان به القابی . مانند ستاره صبح (۱۶:۲۲) مسیح الزمان (۱:۵) میزان الحق (۳:۱۴) وعده داده شده (۳:۷) اشاره کرد .

خلقت و سرنوشت منجی

یکی از مباحثی که در مورد شرح زندگی منجی در ادیان الهی مطرح است ، چگونگی تولد و سرنوشت او می باشد که در اینجا اشاره ای مختصر به این بحث خواهد شد .

خلقت جسمانی پنهانی

آنچه در مورد واقعه‌ی تولد عیسی (علیه السلام) گفته شده این است که : مريم ، مادر عیسی (علیه السلام) که در عقد یوسف بود ، قبل از ازدواج با او ، به وسیله‌ی روح القدس حامله شد ، یوسف قصد به هم زدن نامزدی خود را داشت که در خواب فرشته ای به او گفت : نگران نباش کودکی که در رحم اوست از روح القدس است ، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل^۱ خواهند نامید . یوسف او را عیسی (علیه السلام) نام نهاد . (متی ، ۱:۱۸-۲۵)

۱ - عمانوئیل به زبان عبری به معنی " خدا با ماست " می باشد .

با توجه به نقش روح القدس در تولد عیسی (علیه السلام)، این روایت را می‌توان با روایتی از بحار الانوار تطبیق داد که بیان کننده‌ی نقش دیگری از روح القدس در سرپرستی و حفظ و نگهداری مهدی (علیه السلام) است. مهدی (علیه السلام) در سال ۲۵۵ هـ در شهر سامرا متولد شد. (مجلسی، ۵۱ / ۶) به اعتقاد شیعیان محل ولادت او تا هنگام تولد مخفی بوده است، بعد از تولد تا ۵ سالگی در کفالت پدرش به روح القدس سپرده شده بود. (همانجا، ۱۴)

قرآن کریم تولد عیسی (علیه السلام) را معجزه گونه و پنهانی می‌داند. «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى اُبْنُ مَرِيمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلْمَتُهُ الْقَاتِلَا إِلَى مَرِيمَ وَ رُوْحٌ مِّنْهُ» (النساء، ۱۷۱) از این گذشته نقل‌های تاریخی برای علل مخفیانه بودن تولد عیسی (علیه السلام) و مهدی تعبیرات تقریباً مشابهی ارائه کرده اند، ظاهراً آگاهی حاکمان زمان از تولد کسی که تهدیدی برای تاج و تخت آنها محسوب می‌شد، و تصمیم آنها بر قتل او، مهمترین علت تولد پنهانی موعد شیعه و مکاشفات می‌باشد.

در انجیل متی آمده است: ستاره شناسان مشرق زمین به هیرودیس پادشاه خبر دادند که در بیت لحم کودکی باید متولد می‌شود که باید پادشاه یهود گردد، آنها مأمور شدند تا او را به هیرودیس تحويل دهند، اما یوسف و همسرش مریم همراه عیسی به مصر فرار کردند و تا زمان مرگ هیرودیس در آنجا ماندند. (متی، ۲: ۲۳ - ۱) این روایت انجیل را می‌توان با روایت تولد مهدی (علیه السلام) مقایسه کرد.

معتصم عباسی از تولد مهدی (علیه السلام) احساس خطر کرد در صدد برآمد تا از تولد این نوزاد جلوگیری کند و اگر متولد شد، او را از میان بردارد؛ اما مشیت الهی براین قرار گرفت که آثار حمل در نرجس خاتون، مادر آن حضرت پوشیده ماند. حجت حق از گزند آسیب‌ها نجات یافت و برخلاف همه‌ی تلاش‌ها پا به عرصه وجود گذاشت. (صدقوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ / ۱۵۵)

خلقت نوری

در کتاب مکاشفات می‌خوانیم. "و من ابتدا و انتها هستم، من زنده بودم و مردم، و حال تا به ابد زنده ام، (۱: ۱۸) - (۱۷) من الف و يا، آغاز و پایان، اول و آخر هستم." (۲۲: ۱۳)

در بین مسیحیان دو دیدگاه در مورد مسیح (علیه السلام) وجود دارد، در انجیل متی می‌خوانیم، مسیح همانطور که صعود نمود با جلال بر خواهد گشت. (Matt: ۳۱: ۳۰، ۲۵: ۲۷، ۲۴: ۳۰) اما در رساله‌ی پولس و انجیل یوحنا، مسیح (علیه السلام) شخصی معینی نیست، بلکه اصلی است الهی و فوق طبیعی فراتر از تاریخ و زمان که پیش از آفرینش جهان بوده و بعد از پایان آن نیز خواهد بود. عیسی مسیح (علیه السلام) خودش این وعده و هشدار را می‌دهد. (Cf. ۱: ۱۷-۱۸) مسیح (علیه السلام) کسی است که قبل از تأسیس جهان بوده و در دوره‌ای به شکل انسان روی زمین ظاهر شده تا زندگی کند برای نجات نوع بشر بمیرد (Edwin Reynolds. P. ۶۷، ۲۰۰۶).

طرفی یهود اعتقاد داشت موسی ، عیسی (علیهم السلام) و فرشتگان قبل از تأسیس جهان خلق شده اند.

(۲۰-۱۹Pet.1:۱۹)

پاولس (Paul) معتقد است : خدا ما را قبل از تأسیس جهان انتخاب کرده است (قبل از شروع زمان) (Eph . ۱ : ۴) این تعبیرات شبیه خلقت نوری است که در روایات امامیه در مورد ائمه و مهدی (علیهم السلام) مطرح است ، (مجلسی ، ۱۵/۹) به اعتقاد شیعیان ، مهدی (علیه السلام) از خلقت نورانی نیز برخوردار است ، او اولین آفرینش قبل از پدید آمدن آسمان و زمین به صورت نور پیرامون عرش بوده است . (همانجا ، ۵۴ / ۱۹۳) "لما اسری بی او حی الى ربی جل جلاله ... فرفعت رأسی فإذا بأنوار على و فاطمه و الحسن و الحسين و على بن الحسين و محمد بن على و الحجه بن الحسن في وسطهم كانه كوكب دری " (همانجا ، ۵۲ / ۳۷۹) در این مورد احادیث فراوانی نقل شده است به گونه ای که بعضی از علماء ، علیهم طباطبایی (ره) معتقد است : در مجموع ، کثرت احادیث موجود در این تواتر مضمونی این اخبار شده اند ، علامه طباطبایی (ره) معتقد است : در مجموع ، کثرت احادیث موجود در این زمینه به حدی است که نمی توان در اصل صدور این احادیث یا صحت انتساب آن به معصوم مناقشه نمود . (طباطبائی ، ۱ / ۲۹۱)

دشمنان منجی

همواره در مقابل منجی ، دشمنانی وجود داشته تا با مقابله با دعوت و پیام او ، از پیروزی و رسیدن به اهدافش جلوگیری کنند ، هرچند این دشمنان در دوره ای بتوانند به موقفيتهايی دست یابند اما با توجه به وعده خداوند بر پیروزی نهايی حق بر باطل ، سرانجام تلاش آنهايی نتيجه و قرين و همراه با شکست و یهودگی خواهد بود . اهم این دشمنان عبارتند از :

۱- شیطان

شیطان در کتاب مقدس تبدیل به یک شخص می شود که در مقابل خدا می ایستد او مظهر شر است در مقابل خداوند که مظهر خیر است . در عهد قدیم ما هرگز اهربیمن نداریم اما در عهد جدید شیطان اهربیمن می شود ، او در اهداف شرورانه به خدمت گرفته می شود و با اغواگریش مسیح (علیه السلام) را اغوا می کند و بر فکر مسیح (علیه السلام) تأثیر می گذارد . (Matt.۴:۱۰ ; Matt.۴:۱۱-۳,۵ ; Lk.۴:۱۲)

در کتاب مکاشفات ، تاریخ شیطان یک نمایش غم بار است ، بزرگترین فرشته ای که غرور و نافرمانی باعث شد او خودش را بزرگتر از خدا تصور کند ، از آسمان رانده شد ، "سپس در آسمان جنگی روی داد ، میکائیل و فرشتگان زیر فرمان او با اژدها و فرشتگان خیث او جنگیدند . اژدها شکست خورد و همراه فرشتگانش از آسمان رانده شد . (۱۲: ۸-۷) این بخش از نقل مکاشفات را می توان با " چون فرمان حق به سجده ای آدم در رسید همه ای فرشتگان عالم سجده کردند ، مگر ابليس که از سجده امتناع ورزید ... خداوند فرمود : چون سجده نمی کنی ، از صف

ساجدان و از بهشت مطیعان خارج شو که تو رانده‌ی درگاه ما شدی . (الحجر ، ۳۰-۳۴) مقایسه کرد ، در هر دو حوزه ، عامل اصلی اخراج شیطان غرور و نافرمانی او می‌باشد . در نقل دیگر شیطان خادم واقعی خدا بود و با یک گناه فرصت خدمت را از دست داد و منحرف شد ، شیطان یک مثال عالی از داستانی است که بهترین ، بدترین می‌شود . (شیطان هم اکنون در میان ساکنان زمین است و به صورت خصومت آمیز با William Barclay.p. ۲۶۱) آنها رفتار می‌کند .

" وقتی اژدها دید که به زمین افتاده است ، دست آزار به سوی زنی که پسر را زایده بود دراز کرد . " (۱۲: ۱۳) این فراز از مکاشفات با " گفت خدایا چنان که مرا گمراه کردی من نیز در روی زمین همه چیز را در نظر فرزندان آدم جلوه می‌دهم تا از یاد تو غافل شوند و همه‌ی آنان را گمراه خواهم کرد . (الحجر ، ۳۹) سازگاری دارد . در مکاشفات ، شیطان می‌داند که زمان فعالیت او محدود و معلوم است و فرصت زیادی برای فریب مردم ندارد ، لذا با تمام قوا در زمین ظاهر می‌شود . " ... ای وای به روزگار شما ای اهالی زمین ، زیرا شیطان با خشم زیاد به سراغ شما آمده است ، چون می‌داند که فرصت زیادی ندارد . " (۱۲: ۱۲) این بخش با " شیطان از خدا درخواست کرد که پروردگارا ، پس مرا تا روز قیامت که خلق مبعوث می‌شوند مهلت و طول عمر عطا فرما ، خدا فرمود ، تو را مهلت خواهم داد تا به وقت معین و روز معلوم . (الحجر، ۳۶-۳۸) قابل مقارنه است .

بر اساس روایات امامیه ، مهلت دادن به شیطان تا وقت معلوم ، قیامت نیست بلکه قیام قائم آل محمد (علیه السلام) است . (طبری، ۲۴۰) علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ، می‌نویسد: «میان پاسخ خداوند و تقاضای شیطان تفاوت وجود دارد و در این پاسخ از جهتی موافقت شده است و از جهتی نیز مخالفت شده است اصل مهلت دادن به شیطان ، پذیرفته شده ولی مدت مورد نظر شیطان رد شده است . چون سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه "وقت معلوم" غیر از "یوم یبعثون" است و مراد از آن زمان ، قبل از قیامت است ». (طباطبائی ، ذیل آیه) " در این جدال ، همه‌ی مردم دنیا تسلیم دسیسه‌های شیطانی خواهند شد و در مقابل جانور ، که به تحریک شیطان ، به خدا و یاران خدا کفر می‌گفت ، شکست خواهند خورد و او را خواهند پرستید . مگر کسانی که نامشان از آغاز آفرینش ، در دفتر حیات که متعلق به بره است ، نوشته شده او را پرستش نخواهند کرد . " (C.f ۵-۱۰ ، ۱۳: ۱۰) این عبارات با " همه‌ی آنها را گمراه خواهم کرد ، به جز بندگان پاک و خالص تو را " قابل مقارنه است . (الحجر، ۴۰)

خداوند در آخرالزمان شیطان را شکست خواهد داد . (Alison , Dale , C , " The Eschatology of Jesus ") ۱۴۸ p. ۲۰۰۳) " سپس ، فرشته‌ای را دیدم که از آسمان پایین آمد . او کلید چاه بی‌انتها را همراه می‌آورد و زنجیری محکم نیز در دست داشت . او اژدها را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزار سال به چاه بی‌انتها افکند " و پس از پایان هزاره او را به دریاچه‌ی آتش خواهد انداخت . " سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود ، به دریاچه‌ی آتش افکنده خواهد شد . " (۲۰: ۲۰) به اعتقاد شیعیان بر اساس آیات قرآن ، شیطان پس از نافرمانی

خدا از بهشت رانده شد و قسم خورد تا وقت معلوم (الحجر ، ٣٦-٣٨) یعنی قیام قائم نه قیامت (طبری، ٢٤٠) انسانها را فریب دهد . در آن روز، شیطان با تمام قوا حاضر می شود اما به دست علی (علیه السلام) و یارانش کشته می شود. (مجلسی، ٥٣ / ٤٢) با توجه به اینکه در این نوع از احادیث ، یوم وقت معلوم ، هنگام ظهور تفسیر شده است بنابراین هلاکت شیطان بعد از ظهور خواهد بود ، پس از آن تحقق وعده‌ی الهی بر وارث شدن زمین توسط بندگان صالح که مستلزم نبودن شیطان در آن زمان است ، محقق می شود ، (القصص ، ٥) در غیر این صورت او کما کان به مأموریت خود یعنی فریب و گمراهی مردم ادامه خواهد داد .

در مکاشفات نیز گفته شده پس از اسارت شیطان و حبس آن در چاه بی انتها ، قیامت اول بر پا می شود ، کاهنان خدا و مسیح هزار سال سلطنت خواهند کرد ، مسئله مهمی که در مکاشفات ، قرآن و روایات به صورت تقریباً یکسان به آن پرداخته شده ، بحث هلاکت و از دور خارج شدن شیطان در دوره‌ی هزاره و آخرالزمان است ، در روز وقت معلوم ، ابلیس با هر چه نیرو از آدم تا آن روز دارد ظاهر می گردد ، علی (ع) نیز با اصحاب خود بر شیطان و لشکرش حمله می کنند شیطان را به هلاکت می رسانند . (بحار، ٥٣ / ٤٢) شبیه این عمل در فرهنگ اهل کتاب به الیاس نسبت داده شده است . " گاهی از شیطان با نام دیگر یاد می شود ، یکی از کارهای الیاس در عصر مسیحابه قتل رساندن سمایل ، یعنی شیطان سرچشمه‌ی تمامی شرور است ." (The Jewish Encyclopedia , "s , Elijah , quoting Yalkut Hadash , p , ٥٨) سوالی که اینجا مطرح است این است که آیا نبود شیطان در یک دوره‌ای از خلقت با فلسفه‌ی کلی آفرینش که امتحان و آزمایش انسان در رویایی با شیطان است تناقض ندارد؟ و خللی در داوری عادلانه در قیامت ایجاد نمی کند؟ شاید با تفسیر نمادین و آرمانی و یا تاویل این اتفاق بتوان گفت ، کشته شدن شیطان به معنای نهادینه کردن فضائل اخلاقی ، صفات پسندیده در وجود انسانها و ریشه کن نمودن مفاسد و رذائل از درون انسانها در پرتو رهنمودها ، تلاش‌ها و آموزه‌های منجی در جامعه‌ی آن روز است ، در این صورت است که شیطان کارایی خود را از دست می دهد و مرگ او اتفاق می افتد . علاوه بر آن ، نیروها و کششهایی که انسان را وادر به گناه و معصیت می کند فقط منحصر به شیطان نیست بلکه وسوسه‌های درونی و بیرونی مانند نفس اماره و شهوت ، همچنان در انسان وجود دارد ، اما انسانها در سایه تعالیم و تربیت جامعه‌ی الهی آن روز ، تمایلی به انجام گناه ندارند ، گرچه توان و امکان انجام گناه را دارند به هر حالت عبارت است از عاجز بودن و عدم کارایی شیطان در گمراهی مردم در دوره‌ی حاکمیت منجی ، چه کشته شود یا بی اثر گردد .

نتیجه مشابهی که از دو دیدگاه حاصل می شود این است که شیطان ، ابتدا مقرب در گاه خدا بوده ، به دلیل غرور و نافرمانی از در گاه خدا رانده می شود ، روی زمین همه‌ی انسانها به جز پاکان و بندگان خالص خدا را فریب می دهد

، در دوران ظهور منجی ، کارایی خود را از دست می دهد و در پایان کشته می شود و توسط خداوند به جزیره آتش یا جهنم افکنده می شود .

۲- دجال

در کتاب مقایيس اللげ کلمه‌ی "دجل" به معنای پوشش ، پنهان کاری و فریب آمده است . (ابن فارس ، ذیل ماده دجل) بر اساس روایات امامیه ، ظهور دجال در آخر الزمان قطعی است ، آمدن او نزدیک به واقعه‌ی ظهور بیان شده است ، دجال ، فریب کاری است که در آخرالزمان ، مردم را گمراه خواهد کرد (مفید، ۱۲۱) . به عقیده‌ی مستر هاکس ، واژه‌ی دجال فقط در رساله‌ی اول یوحنا آمده است . (هاکس ، ۳۷۵) هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست ، دروغگوست ، آن دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید ، (همان ، ۲۲) ویژگی آشکاری که در این عبارت در مورد دجال ذکر شده ، مخالفت ، ضدیت و دشمنی او با مسیح است ، از این منظر می توان گفت ، یکی از دشمنان مسیح (علیه السلام) در مکاشفات یوحنا ، دجال است ، دجال به آنتی کراست یعنی ضد مسیح (علیه السلام) معروف است ، بحث آن از باب ۱۳ شروع می شود ، آنتی کراست بعد از ابليس منفورترین فرد بوده است و بعضی اوقات به عنوان پسر ابليس مطرح می شود ، در مکاشفات است که شیطان در مقابل خداوند قرار می گیرد و تبدیل به حریف و دشمن او می شود و دجال (پسر شیطان) در مقابل عیسی (علیه السلام) ، از خصوصیات دجال آن است که قدرت همراه کردن افراد را دارد و می تواند آنها را تحت تأثیر قرار دهد . به جانوری با اعضای حیوانات وحشی و درنده تشبیه شده است که قدرت خود را از شیطان می گیرد .

بحث آنتی کراست ریشه در تاریخ دارد و بر عهد جدید تأثیر گذاشته است ، در عهد قدیم ، اشیاء از روزی می گوید که خدا ، جانور دریایی ، مار و اژدهایی را که در دریاست خواهد کشت . (Isa . ۲۷ : ۱)

در عهد جدید نه تنها از دجال بلکه از دجالان سخن رفته است ، "ای بچه‌ها ، این ساعت آخر است و چنان که شنیده اید که دجال می آید ، الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده اند و از این می دانیم که ساعت آخر است " (رساله‌ی اول یوحنا ، ۱۸:۲) در روایات امامیه هم شبیه این تعبیر مکاشفات ، آمده است . "خداوند پیامبری را برنمی انگزید ، مگر این که قوم خود را نسبت به دجال بیم داد . (صدقه، ۵۲۹)

دیدگاه مسیحیت در باره‌ی دجال منحصر به یک موجود فرازمینی نیست ، بلکه حتی منکران خدا و عیسی را دجالان روزگار می داند ، هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست ، دروغگوست ؟ او همان دجال است (رساله‌ی اول یوحنا ، ۲۲:۲) کلاید معتقد است : او از سیستم های کنترل و مراقبت بسیار پیشرفته ای استفاده خواهد کرد ، او آن چنان حاکمیتی بر جهان خواهد داشت که هیچ یک از ما با وجود تمام تکییک هایی که به کار می بریم ، توان رسیدن به گرد پای او را نداریم ، در همان آغاز ، دشمن مسیح (دجال) بر ده ملت اروپایی حاکم خواهد شد . (هالسل ، ۴۷)

بر این اساس "ممکن است ما به عنوان یک اصل کلی ، ضد مسیح (علیه السلام) را قدرت جهانی ضد خدا بدانیم ، یا اینکه آن را به افراد تاریخی خاص مانند پادشاهان و ستمگران نسبت دهیم ،" (Goff , M . , "Antichrist" درمورد اینکه این ویژگی منطبق بر چه کسی است (Encyclopedia of Millennialism ، ۲۳ . p) ، نظرات متفاوتی را می توان مطرح نمود ، دجال نام، شخص معینی نیست و هر کسی که با ادعاهای دروغین و با توسل به حیله‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال نامیده می شود ، مؤید آن روایاتی است که از دجالهای فراوانی سخن گفته است . (رساله‌ی اول یوحنا ، ۲ : ۱۸) و (مفید، ۳۷۱ / ۲) دیگر این که فردی معین و مشخص، به عنوان دجال، در دوره غیبت - با همان ویژگیهایی که برای وی بیان شده است - باشد که هنگام ظهور منجی با انتشار اخبار دروغ ، افکار مردم را از واقعیات آن زمان منحرف می کند، برای حفظ وبقاء ارزش‌های طاغوت، همه تلاش خود را به کار می‌گیرد و با سوءاستفاده از زمینه‌های فکری و اجتماعی احساسات مردم، دست به تزویر و حیله گری می‌زند تا آنان را نسبت به اصالت و تحقق انقلاب جهانی منجی، دچار تردید و دودلی کند و از پیروزی آن جلوگیری کند .

از این عبارات می توان نتیجه گرفت که دجال علاوه بر آن که به عنوان یک فرد خاص تصور می شود می تواند به صورت جریان خاصی درنظر گرفته شود که در تمام زمانها وجود داشته باشد .

۳- جانور یا سفیانی

از عالم ظهور مسیح در مکاففات، می توان به قیام جانور اشاره کرد . "در این هنگام جانور عجیبی را در رؤیا دیدم که از دریا بالا می آمد . سپس جانور عجیب دیگری دیدم که از داخل زمین بیرون آمد " (۱۳ : ۱ و ۱۱) ظهور جانور در مکاففات همراه با علامتها یعنی هفت بلاء و عذاب آخر است . "در آسمان علامت عجیب دیگری دیدم ... سپس ، در برابر خود چیزی شبیه دریای آتش و بلور دیدم که موج می زد ، در کنار دریا کسانی ایستاده بودند که بر آن جانور خبیث و مجسمه اش و بر آن علامت و عددش پیروز شده بودند . (۱۵ : ۲ - ۱) این تعبیرات را می توان با سفیانی در روایات امامیه مقایسه کرد .

از مهم ترین، نشانه هایی که برای ظهور مهدی (علیه السلام) ، بیان می شود ظهور سفیانی است . آمدن او حتمی است و چاره ای از آمدن او نیست (مجلسی، ۵۲ / ۱۸۲) در روایات شیعه، سفیانی غالبا همراه چند علامت مشهور: نداء، نفس زکیه، فرو رفتن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء ، یاد شده است (همان) نزول عذاب غیرمنتظره و عدم امکان گریز (سبأ، ۵۱) نزول عذاب بر سپاهیان سفیانی در سرزمین بیداء است . (بحار، ۵۲ / ۲۵۲)

جانور چاه بی انتها ، (۱۱ : ۷) موجودی است که دو شاهد اورشلیم را به قتل می رساند و ۴۲ ماه حکومت می کند ، از جهنم می آید ، ویران می کند اما زمان او محدود است ، یوحنا سه چیز را در باره‌ی این جانور بیان می کند ، همdestی در توطئه با اژدها ، موفقیتش در فریب همه‌ی جهان و موفقیتش در شکست موقت مقدسان خدا

(Thomas , L , constable , P . ۱۱۹) بخشی از کار کرد جانور را شاید بتوان با عملکرد سفیانی در دوران

ظهور مهدی (علیه السلام) مقایسه کرد . "سفیانی با ابعق برخورد و پیکار می نماید ، او ابعق و یارانش را می کشد و اصحاب را نیز به قتل می رساند . (نعمانی، ۱۴۹) سفیانی به کوفه می رود و یاوران آل پیامبر را به قتل می رساند . (الطوسي، ۲۷۸) تعداد نفرات لشکر سفیانی در تهاجم به کوفه ۷۰ هزار نفر گفته شده است . (الغیبه، ۲۸۰) : مردی سلحشور با عده ای از مستضعفان اهل کوفه در برابر سپاه سفیانی خروج می کند. او نیز به دست فرمانده لشکر سفیانی در میان کوفه و حیره به قتل می رسد . (طوسی، ۲۵۶) سپاهی از خراسان با شور و شتاب، با پرچم های برافراشته، به سوی کوفه حرکت می کنند، که شماری از اصحاب مهدی (علیه السلام) در میان آنها می باشند. (همان) در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) از خروج سید حسنی و کشته شدن یارانش به دست سفیانی سخن گفته شده . (نعمانی، ۱۴۹) در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) از کشته شدن سید حسنی به دست اهل مکه و ارسال سر او به سوی سفیانی سخن رفته است . (کلینی، ۱۸۹ / ۸)

در دو توصیف جداگانه برای جانور دوم و شیصبانی از یاران سفیانی ، به صورت مجازی بیرون آمدن آنها از زمینه مطرح شده است ، شاید بتوان این دو تعییر را از جهتی با هم مقایسه کرد .

"سپس جانوری عجیب دیگری دیدم که از داخل زمین بیرون آمد " (۱۳: ۱۱) در روایات امامیه از خروج شیصبانی در آستانه ای خروج سفیانی در کوفه سخن رفته و با قاطعیت آمده است که هر گز سفیانی بدون شیصبانی نخواهد بود. وی در کوفه خروج می کند و همانند جوشش آب از زمین می جوشد. وی هواداران زیادی پیدا می کند و با دوستان اهل بیت (علیه السلام) در گیر می شود. (نعمانی، ۳۰۲)

جانور از چاه بی انتها بیرون می آید ، جانور قدرت خود را از شیطان می گیرد . شیطان به او قدرتهای فوق طبیعی می دهد . "اژدها تاج و تخت و قدرت و اختیارات خود را به او بخشید ، اژدها به او قدرت داد تا با خلق خدا جنگیده ، ایشان را شکست دهد و بر تمام قومها و قبیله ها از هر زبان و نژاد دنیا حکومت کند . (۱۳: ۲ و ۷)

احضار جانور توسط اژدها نقشه ای نابودی فرزند زن بود . (Notes on revelation, Thomas , L , constable , Pp . ۱۱۹-۱۲۰) منظور نابودی عیسی مسیح است . همان هدفی که در قیام سفیانی دنبال می شود یعنی کشتن و نابودی مهدی .

بسیاری از مفسران مدرن عقیده دارند که اولین جانور تجسم شخصیت قدرت غیر روحانی در مقابل کلیسا و دومنین جانور تجسم شخصیت مذهب دروغین است . (E.g., Mounce, p. ۳۴۹.) در مذهب امامیه نیز برخی با استناد به بعضی از روایات معتقدند که سفیانی شخصیتی از آل ابوسفیان و فرزندان او نیست بلکه اشاره به صفات و برنامه های مشخصی است که در طول تاریخ ، افراد زیادی مظہر آن بوده اند . (مجلسی، ۱۸۲ / ۵۲) سفیانی نماد

تفکری منحرف در جهان اسلام است که همه‌ی جنبش‌ها و دیدگاه‌های غیر صحیحی که به دروغ خود را به اسلام منتسب می‌کنند را در بر می‌گیرد

حال با نگاه به توصیف دو جانور و نمادین بودن آنها به عنوان تجسم قدرتهای مادی و مذهبی دروغین همراه با ظاهر فریبندی آنها، و ویژگیهایی که در روایات برای سفیانی بیان شده است شاید بتوان جانور دوم را با سفیانی مقایسه کرد، شاید در زمان ظهور، جریانهایی معارض و شیطانی وجود داشته باشد که قصد تخریب و شکست قیام منجی را دارند، چه بسا اینها سال‌ها قبل از قیام شکل گرفته باشند و در حال فعالیت باشند و در آن زمان در قالب جانور یا سفیانی جلوه کنند، نکته جالب در این ماجرا، سرنوشت مشابه و یکسان آنها است که جانور به وسیله‌ی مسیح و سفیانی توسط مهدی کشته می‌شوند، "ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا که او رب‌الارباب و پادشاه پادشاهان است" (۱۷: ۱۴) سفیانی، سپاهی را از شام به دنبال امام می‌فرستد اما این سپاه در منطقه‌ی بیدا در زمین فرو می‌رود و جز شخصی که خبر آن را می‌رساند کسی از آنها زنده نمی‌ماند، سفیانی به همراه با قیمانده‌ی نیروهایش به سوی امام حرکت می‌کند اما آن حضرت پیروز شده، سفیانی را خواهد کشت.

(مجلسی، ۵۲ / ۳۱۵)

در مکاشفات یوحنا و روایات امامیه در مورد سرنوشت سپاهیان جانور و سفیانی عبارتی مشابه با این مضمون آمده که پس از کشته شدن آنها، پرنده‌گان از گوشت آنها سیر خواهند شد. "آنگاه تمام دار و دسته‌ی او با شمشیر تیزی که در دهان اسب سوار بود، کشته شدند، و پرنده‌گان شکم خود را با گوشت آنان سیر کردند. (مکاشفات ۱۹: ۲۱)" لشکر سفیانی را تا آخر بکشند حتی اینکه اگر یک نفری در میان درختی یا در جوف سنگی پنهان شده باشد آن درخت و آن سنگ فریاد زند که در میان من کافری پنهان است، پس او را بیرون آورند و بکشند، پس درنده‌گان و پرنده‌گان از گوشت آنان سیر شوند. " (خراسانی، ۲۲۵)

سرنوشت منجی :

"مسیح (علیه السلام) نخستین کسی است که پس از مرگ زنده شد و هرگز نخواهد مرد، و برتر از تمام پادشاهان این جهان است، سپاس و ستایش بر او که ما را محبت می‌نماید و با خون خود ما را شست." (۱: ۵)

در بیشتر جوامع غربی امروز، اینطور فکر می‌شود که جنایتکاران دور از چشم مردم او را مجازات کرده‌اند، یا اینکه گرفتار مرگ یا اعدام شد. (Jesus Apocalyptic Prophet Of The New Millennium . p . ۱۵)

(۰.۲۲۳)

اعدام یکی از رایج‌ترین مرگ‌هایی بود که به وسیله‌ی رومی‌ها انجام می‌شد، آنها آن را ابداع نکردند اما گاهی از آن استفاده می‌کردند، مخصوصاً برای مردمی که جنایت انجام می‌دادند، بعضی از مسیحیان فکر می‌کردند که مسیح (علیه السلام)، تنها به صلیب کشیده شد، البته اینطور نیست، بر طبق احادیث انجیل، مسیح قبل از اعدامش

شلاق زده شد . John . ۱۹ : ۱۹ .) به هر حال مسیح (علیه السلام) و دیگران به وسیله‌ی سربازان به خارج از دروازه های شهر بردۀ شدند ، در خصوص مردن مسیح (علیه السلام) در پایان بعد از ظهر جمعه بود که چند ساعت طول کشید ، حواریون با او نبودند ، گویا بعضی از زنهایی که از الخلیل همراه او بودند از مسافتی دور گزارش داده اند ، هیچکس به اندازه کافی نزدیک نبوده است تا آنچه را در پایان گفته است ، بشنوید . Bart D , Ehram. P . ۲۲۴ .

(در چند نقل مستقل گفته شده که بدن مسیح (علیه السلام) به وسیله‌ی یکی از پیروان او به نام یوسف ، مخفیانه تشییع شد . John . ۱۹ : ۳ .) دانشمندان این حدیث را با توجه به قرائن موجود ، معتبر دانسته اند ، جنایتهاي اعدامي و صليبي معمولاً اجازه تشيع داده نمي شدند و روی صليب مي ماندند تا دريده و خورده شوند و به وسیله‌ی سفورها و مأموران ، نظافت گردند ، بعضی گفته اند که بدن مسیح به وسیله‌ی سگها خورده شد اما هیچ تأييد تاریخي ندارد ، به نظر ، غير محتمل می رسد که جنازه‌ی مسیح روی صليب ترک شده باشد ، اگر اينطور باشد پیروانش احتمالاً آن را دیده اند و تمایل دارند تا مدعی شوند که او مرده است ، احتمال دیگر این که بدن او توسيط بعضی از آنها يا توسيط سربازان يا بعضی از افراد خانواده اش يا پیروان نزدیکترش تشیع شد (Bart D , Ehram p . ۲۲۵) .

در بررسی نقل‌هایی که در مورد سرنوشت زمینی عیسی (علیه السلام) وجود دارد موافق با اشكالاتی می شویم که به این روایات وجود دارد .

اولاً مضامین این نقل‌ها متفاوت و پراکنده است تا آنجا که نمی توان در بین اخبار فوق دو خبر با مضمون هماهنگ را پیدا کرد . از جمله اختلافات عبارتند از : الف: اينکه جنایتکاران دور از چشم مردم او را گرفتار مرگ کردند يا او را اعدام کردند ب : بعضی از مسیحیان معتقدند فقط او اعدام شد اما بر اساس نقل انجیل یوحنا قبل از اعدام شلاق زده شد

ج : گزارش مشاهده اعدام او مبهم است و از فاصله‌ی دور دیده شده است .
د : گفته شده جنایتهاي اعدامي و صليبي اجازه تشيع داده نمي شد اما در انجيل یوحنا نقل شده که بدن مسیح به وسیله‌ی یکی از پیروان او به نام یوسف ، مخفیانه تشیع شد يا اينکه توسيط سربازان و افراد خانواده اش تشیع شد . بنابراین با توجه به پراکنده‌گی نقل اخبار مربوط به مرگ مسیح (علیه السلام) ، نمی توان به مفهوم صريح و روشنی در مورد سرنوشت زمینی او دست یافت .

دیدگاه مکاشفات در مورد مرگ مسیح (علیه السلام) ، فدا شدن او برای آمرزش بندگان ، سپس زنده شدن و به آسمان رفتن است . در حالی که قرآن کریم معتقد است که او کشته نشد و به دار آویخته نشد بلکه امر بر آنها مشتبه شد . « وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرِيمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شَهَدُوهُ لَهُمْ » (النساء ، ۱۵۷) اما سرنوشت عیسی و مهدی (علیهم السلام) پس از زندگی اولیه در دنیا از جهاتی مشابه است با این تفاوت که عیسی علیه السلام ، توسيط خداوند به آسمان بردۀ شد . « إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى إِنِّي مُتَوَكِّلٌ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ » (آل عمران ، ۵۵)

اما مهدی ، روی زمین از نظرها پنهان گشته است ، (الکلینی ، ۱ / ۳۳۸) در آخر الزمان هر دو ظهور خواهند کرد ، عیسیٰ علیه السلام در نمازش به مهدی اقتدا خواهد کرد . (الاربلي ، ۳ / ۲۶۴) مهدی پس از ۱۰ سال از ظهور (الغيبة ، ۵۲۰) و مسیح پس از ۴۰ سال رحلت خواهند کرد ، (مجلسی ، ۵۲ / ۳۸۳ ، باب ۲۳) پس از مهدی علیه السلام حکومت همچنان در دست اولیای مسلمان تا بر پایی قیامت باقی خواهد ماند.

بعضی از موارد مشابه یا اختلافی مکاشفات با قرآن کریم و روایات شیعه در بحث منجی

| مکاشفات | تشابه در قرآن کریم و روایات شیعه | اختلاف |
|--|--|---|
| ۱ او سوار بر ابرها می آید . (۷:۱) | | قائم ظاهر می شود ، بالای سرش ابری سایه افکنده . (بحار ، ۵۲ / ۳۷۸) |
| ۲ هر چشمی او را خواهد دید . (۱:۷) | هر چشمی او را خواهد دید . (بحار ، ۵۳ / ۵) | |
| ۳ مانند دزد زمانی که متظر نیستید می آیم . (۱۶:۱۵) | منظور از ساعه در قرآن کریم ، ساعت قائم است که به صورت ناگهانی خواهد آمد . (بحار ، ۱ / ۵۳) | |
| ۴ من الف و یاء ، آغاز و پایان ، اول و آخر هستم . (۲۲:۳) | او اولین آفرینش ، قبل از پدید آمدن آسمان و زمین به صورت نور پیرامون عرش بوده است . (بحار ، ۵۲ / ۱۹۳) | |
| ۵ هنگام پادشاهی ابدی ، عیسیٰ (علیه السلام) و پدرش به نسبت مساوی با هم بر جهان حاکم می شوند . (۱۱:۱۵) | پادشاهی آسمانها و زمین از آن خدادست . (آل عمران ، ۱۸۹) | |
| ۶ چشمانش همچون شعله های آتش تیز و نافذ است . (۲:۱۹) | در همان حال که پیش رو را می بیند ، پشت سر خود رانیز می بیند . (عيون اخبار الرضا ، ۲ / ۱۶۹) | |
| ۷ صورت او همچون خورشید نیمروز می درخشید . (۱:۱۶) | امام مانند خورشید تابنده است که جهان به نورش روشن می شود . (بحار ، ۱ / ۵۱) | |
| ۸ مسیح اولین کسی بود که پس از مرگ زنده شد و هرگز نخواهد مرد (۱:۵) | او را نه کشتند و نه به دار آویختند بلکه امر بر آنها مشتبه شد . (النساء ، ۱۵۷) | |

نتایج مقاله

از تشابه متنی میان مکاشفات ، قرآن کریم و روایات امامیه در موضوع منجی ، می توان نتیجه گرفت ، با توجه به هدف مشترک ادیان در ارائه تصویری امید بخش از آینده جهان و برقراری حاکمیت صالحان در پایان زمان ، این تشابه متأثر از الهامات و پیام های غیبی هستند که در این زمینه ، مخاطبان خاص از منبع صدور واحد دریافت کرده اند و با گذشت زمان دستخوش تغییر جدی نگردیده و شکل کلی خود را حفظ کرده اند ، مواردی مانند ظهور ناگهانی ، صفات و القاب مشترک منطبق بر عملکرد همانند ، چگونگی تولد و نوع خلقت ، دشمنان مشترک و سرنوشت همسان در این مقوله قرار دارد ، در مواردی نیز اختلافات ، ناشی از مقتضیات زمان و مکان صدور ، نیاز مخاطبان، متناسب با درک و فهم آنها، تصحیف و تحریف بعضی از متون و در برخی موارد از تفسیر اشتباه الفاط بوده که با تأویل آنها می توان به واقعیت و وحدت نظر در باره ای موضوع دست یافت ، آنچه در ادیان الهی در بحث منجی برآن تأکید شده ، ظهور مصلحی الهی است که در آخرالزمان ظهور می کند و جهان را پر از عدل و داد می کند ، روند تکاملی این بحث در آخرین کتاب الهی قرآن کریم و بیانات مفسرین این کتاب (سخنان امامان) عليهم السلام) متباور می شود که نسبت به میراث ادیان گذشته کامل تر و روشن تر است

كتابشناسی

- ١- قرآن کریم
- ٢- ترجمه کتاب مقدس
- ٣- آشتیانی ، جلال الدین ، تحقیقی در دین مسیح ، چاپ سوم ، تهران: انتشارات نگارش ، ۱۳۸۹ ش
- ٤- الاربیلی ، علی بن عیسی ، کشف الغمہ فی معرفة الانئمہ ، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشمی ، ۱۳۸۱ ه ق
- ٥- ابن صباح ، علی بن محمد ، الفصول المهمہ فی معرفة الانئمہ ، چاپ اول ، تهران: انتشارات دارالخلافة ، ۱۳۰۳ ه ق
- ٦- ابن فارس ، احمد ، معجم مقاییس اللغه ، بیروت: داراحیاء التراث العربی ، ۱۴۲۲ق
- ٧- اوپه نیشد ، ترجمه‌ی محمد داراشکوه از متن سانیکریت ، تهران ، ۱۳۹۸
- ٨- بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌البعثة، ۱۴۱۵ق
- ٩- جاماسب فرزند لهراسب برادر گشتاسب ، جاماسب نامه ، مصحح ، محمد ملک الكتاب شیرازی ، نشر بمبئی ، ۱۳۱۳ ه ق
- ١٠- جعفری، ابوالقاسم، منجی موعود در آیین بودا ، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ ه ش
- ١١- جولیوس گرینستون ، انتظار مسیحا در آیین یهود ، ترجمه‌ی حسین توفیقی ، چاپ دوم، قم: انتشارات ادیان و مذاهب ، ۱۳۸۷ ه ش
- ١٢- خراسانی ، محمد جواد ، مهدی منتظر ، قم: چاپ مهر
- ١٣- صافی گلپایگانی ، لطف الله ، منتخب الاثر ، قم: مؤسسه‌المعصومه ، ۱۴۱۹ ه ق
- ١٤- صدر ، محمد ، تاریخ پس از ظهور ، ترجمه‌ی حسن سجادی پور ، چاپ دوم، تهران: انتشارات موعود عصر (عج) ، ۱۳۸۷ ه ش
- ١٥- صدقوق ، محمد بن علی بن حسین ، عيون اخبار الرضا ، قم: انتشارات طوس ، ۱۳۶۳ ه ش
- ١٦- همو ، کمال الدین و تمام النعمه ، قم: مؤسسه‌النشرالاسلامی ، بی‌چا ، ۱۴۰۵ ه ق .

- ١٧- طباطبایی ، محمد حسین ، **المیزان** ، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم ١٤١٧ هـ ق ،
- ١٨- طبری ، ابو جعفر محمد بن جریر ، **دلائل الإمامه**، قم: نشر مؤسسه بعثت ، ١٤١٣ هـ ق
- ١٩- الطوسي ، محمد بن حسن ، **الغيبة** ، قم: انتشارات مؤسسه ای معارف اسلامی قم ، ١٤١١ هـ ق
- ٢٠- الكليني ، محمد بن یعقوب ، **الكافی** ، تهران: انتشارات دارالاسلامیه ، ١٣٦٥ هـ ش
- ٢١- الکورانی ، علی ، **معجم احادیث الامام المهدی (علیه السلام)** ، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، ١٤١١ هـ ق
- ٢٢- مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار الجامعه، بیروت: موسسه الوفاء ، ١٤٠٤
- ٢٣- مفید، محمد بن نعمان ، **الارشاد** ، مترجم ، ساعدی خراسانی ، تهران: انتشارات اسلامیه ، ١٣٨٠
- ٢٤- همو، **الفصول العشره** ، بیروت: دارالمفید ، ١٤١٤ هـ ق
- ٢٥- میشل، توماس، **کلام مسیحی**، ترجمه حسین توفیقی، چاپ دوم: قم: انتشارات ادیان و مذاهب، بی تا
- ٢٦- نجفی ، محمد مهدی ، **بيان الائمه** ، المکتبه الاسلامیه ، ١٤٠٨ هـ ق
- ٢٧- النعمانی ، محمد بن ابراهیم ، **الغيبة** ، تبریز ، ١٣٨٥ هـ ق
- ٢٨- نوری ، میرزا حسین ، **النجم الثاقب** ، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران ، ١٣٨٥ هـ ش
- ٢٩- هاکس ، جیمز ، **قاموس کتاب مقدس** ، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر، ١٣٧٧ هـ ش
- ٣٠- هالسلل ، گریس ، **یدالله** ، ترجمه قبس زعفرانی ، تهران: هلال ، ١٣٨٤ ش .
- ٣١- یزدی حائری ، علی ، **الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب**، قم: انتشارات رضی ، ١٣٦٢ هـ ش
- ٣٢-Alison ، Dale ، C ,"**The Eschatology of Jesus**" The Continuum History of Apocalypticism , Bernard . j .McGinn . v & John J . Collins &Stephen , J . Stein (ed) , New York , Continumm Publication , ٢٠٠٣
- ٣٣- Bart D ، Ehram ، **Jesus Apocalyptic Prophet Of The New Millennium** ، Oxford University Press ، ١٩٩٩
- ٣٤-Eduard Konig" Elijah" **The Jewish Encyclopedia** , ,No . ١٠ .Vols ، ٥ ، KTAU Publishing House , Inc , N , Y , Z , N . Y , U . S , A
- ٣٥-Edwin Reynolds ، **The Trinity in The book of revelation** Southern Adventist UneversityJournal of the Adventist Theological Society, ١٧/١ (Spring ٢٠٠٦)
Article copyright © ٢٠٠٦ by Edwin Reynolds

۲۶-Goff , M . , " **Antichrist** " , **Encyclopedia of Millennialism**, R.A.Lades(ed),London,Routledge,۲۰۰۰

۲۷-Mounce, Robert H. **The Book of Revelation**. New International Commentary on the New Testament series. Grand Rapids: William B. Eerdmans Publishing Co., ۱۹۸۳

۲۸-Thomas , L , constable , **Notes on revelation**, Published by Sonic Light:
<http://www.soniclight.com> .۲۰۱۴

۲۹-William Barclay ,**The daily Study Bible**, Published By The West Minster Press ,۱۹۷۹